

آهوی لنگ

چهره‌آشنا از دکتر اندیشه مولوی

www.ketab.ir

دکتر محاطه بازانکن



۱۳۳۳ - ۱۳۳۲

میدان و بازار باغچه‌ها، آهوی لنگ، جبر و اختیار در اندیشه مولوی کاظم باغچه‌ها، بیار دانشور

مفاهیم فلسفی، ترجمه از: سیداحسان تهرانی، کتابخانه اسلام، شرکت چاپ و نشر بین‌المللی، ۱۳۳۲

مشخصات کتاب: ۲۴۱ - ۱۳۳۲ - ۸۱۷۸۵۱۲۱

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۷۲-۰۷۱

آهوی لنگ، سیداحسان تهرانی

پادشاهان و حکام، ترجمه از: [۱۳۱۱] - ۱۳۱۲، مؤسسه فرهنگی و هنری

میدان و بازار باغچه‌ها، آهوی لنگ، جبر و اختیار در اندیشه مولوی

مؤلف: جلال‌الدین محمد بن محمد آهوی لنگ - ۱۳۱۲ - ۱۳۱۱ - ۱۳۱۰

مؤلف: [1311-1310] - Alghawli, Jalaluddin Mohammad ibn-e Mohammad

Views on Free will and determinism

مؤلف: جبر و اختیار در اندیشه

Free will and determinism in Herat

جبر و اختیار - فلسفه

Free will and determinism -- Philosophy

فلسفه اندیشه، سیداحسان تهرانی، کتابخانه اسلام، شرکت چاپ و نشر بین‌المللی

ردیف کتابخانه: PIRAW

[BIA98]

ردیف کتابخانه: ۱۳۳۲

[۱۳۳۲]

شماره کتابخانه: ۱۳۳۲

اطلاعات کتابخانه: ۱۳۳۲

انتشارات

آهوی لنگ (جبر و اختیار در اندیشه مولوی)

تألیف: کاظم باغچه‌ها

بیار دانشور

سیداحسان عابدی

محمد عباس زاده

تألیف: اول - تابستان ۱۴۰۳

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۷۲-۰۷۱

نسخه ۱۰۰۰

آهوی لنگ



۱۰۱۳۷۱۹۹
۲۰۰۰۰۰۰۰ ریال

تهران، میدان استقلال، سعدی جنوبی، پلاک ۲، طبقه سوم

تلفن: ۰۲۱-۳۳۲۲۹۵۹ - ۰۲۱-۳۳۱۱۸۶۰۲

میدان فلسطین، ضلع شمال شرق، پلاک ۵ و ۴

تلفن: ۰۲۱-۸۸۲۱۹۸۰ - شماره: ۸۸۹۰۳۸۲۲

بازار نیایش، جنب مصلی قدس

تلفن: ۰۲۵-۳۷۷۲۰۳۶۹

Shchaponashr@gmail.com

nashrebeynolmelal.ir

میدان فلسطین، ضلع شمال شرق

فهرست

فصل اول درآمد و کلیاتی دربارهٔ جبر و اختیار ۱۳

الف. معنای جبر و اختیار ۱۵

ب. خاستگاه جبر و اختیار ۱۸

۱. آیه‌های متشابه ۱۹

۲. لذت و نفرت ۱۹

۳. تعلیم و تربیت ۱۹

فصل دوم جبر و دلیل‌های آن ۵۳

الف. جبر ۵۵

۱- جبر کاذب (شبه جبر) ۵۵

ب. انواع جبر ۷۲

۱. جبر مطلق ۷۳

۲. جبر عارفانه ۱۱۴

تقدیر و انواع آن ۱۳۸

فصل سوم اختیار و دلیل‌های آن ۱۵۳

الف. اختیار در لغت ۱۵۵

ب. اختیار در اصطلاح ۱۵۶

دلیل‌های اختیار ۱۷۰

۱. رد تناقض ۱۷۱

۲. پشیمانی ۱۷۳

۳. خجالت و اضطراب ۱۷۷

۴. خشم ۱۸۰

۵. پاداش و تنبیه ۱۹۱

۶. امر و نهی ۱۹۳



- ۱۹۶ ۷. انتخاب
- ۲۰۰ ۸. درک وجدانی
- ۲۰۳ ۹. وجدان
- ۲۰۹ ۱۰. تصمیم‌گیری
- ۲۱۱ ۱۱. حرکت
- ۲۱۵ ۱۲. مؤدبه و تهديد
- ۲۳۷ ۱۳. انتخاب حرفه

۲۳۸ اختيار عاشقانه

۲۴۱ فصل چهارم: راه و منزل (أركان الأثرين)

۲۵۱ فصل پنجم: سرک‌های

۲۵۳ نفرت از اختيار

۲۶۹ جبر و اختيار مثبت

۲۹۱ منابع

مقدمه



یکی از سؤال‌های کهنه‌ای که از دیرباز ذهن انسان‌های کنجگاو را همواره به تأمل فراخوانده، مسئله جبر و اختیار است. در اهمیت این موضوع همین قدر کافی است که بدانیم هیچ اندیشمندی را نمی‌توان سراغ گرفت که با شناخت طبیعت انسانی و مرتبه‌های مختلف آن سروکار داشته باشد. ولی این مسئله ضرورت حل و فصل خود را به او تحمیل نکرده یا دست‌کم آن را به خود جلب ننموده باشد.

پرسش اصلی در این خصوص آن است که آیا انسان (دست‌کم در برخی از رفتارهای خود) مختار است یا آنکه در تمامی رفتارها هیچ اختیاری از خود ندارد و هرآنچه انجام می‌دهد از سر جبر و اجبار است؟ در اینجا مقصود از اختیار آن است که رفتار آدمی براساس قدرت، آگاهی و اراده انجام پذیرد؛ به‌گونه‌ای که بتواند به ترک آن نیز اقدام ورزد. به عبارت دیگر، فعلی اختیاری آن است که براساس انتخاب و گزینش یک شخص و از روی تصمیم و عزم جدی واقع شود. البته اختیاری بودن یک عمل لزوماً بدان معنا نیست که با رغبت کامل قلبی انجام پذیرد؛ زیرا چه بسا آدمی عملی را برخلاف تمایل اولیه خود، اما با علم به سودمندی آن به‌طور ارادی انجام دهد. به هر ترتیب، در پاسخ به این پرسش یادشده سه نظر کلی همواره وجود داشته است:

الف. گروهی طرفدار جبر هستند و هیچ‌یک از کارهای آدمی را اختیاری نمی‌دانند.

ب. گروهی از اختیار جانبداری می‌کنند و انسان را در بعضی از رفتارهایش مختار می‌پندارند.

ج. گروهی که نه جبر را می‌پذیرند و نه اختیار را، بلکه راه میانه این دو را برمی‌گزینند «أَمْزِیْنُ الْأَمْزِیْنِ».

باری! جبر و اختیار از موضوع‌های بسیار مهم کلامی-دینی است که در عرفان و فلسفه اسلامی همواره درباره آن بحث شده است و مکتب‌های کلامی با استناد به استدلال‌های نقلی و عقلی یا به جبر مطلق، یا به اختیار مطلق، یا به آمیزه‌ای از هر دو یا به اَمْزِیْنُ الْأَمْزِیْنِ اعتقاد ورزیده‌اند. البته مولانا در مقام اندیشمندی کامل که در بسیاری از دانش‌های دینی عصر خود صاحب‌رای است از جنبه‌های متعددی به این موضوع نگریسته است.

به همین علت مولانا در نوشته‌های خود، به‌ویژه مثنوی معنوی و نیز در حکایت‌ها و اشعار، موضوعات مختلف، باورهای اهل نظر را در این خصوص به میان کسی که در نگاه‌های مخالف و حتی متضاد را به‌گونه‌ای با آیه‌ها، حدیث‌ها، نقل‌قول‌های تاریخی و همچنین استدلال‌های عقلی مستدل ساخته که گاهی در همان خود را چنان در حیرت فرومی‌برد که در ترجیح یک نظر بر دیگر نظرها فرومی‌مانند و به درستی در نمی‌یابند که سرانجام، شخص مولانا کدام یک را بر دیگری برتری بخشیده است!

لذا در میان مخاطبان، برخی وی را جبری و برخی دیگر اختیاری خوانده‌اند. به دیگر سخن، او را در این بحث متزلزل دانسته‌اند. بر کسی پوشیده نیست که وی از نگاه عارفی مسلمان، با اثبات عجز ذاتی فلسفه در پاسخ‌گویی به این موضوع می‌کوشد تا در عین حفظ قدرت مطلقه الهی، اختیار آدمی را در پای ضرورت و جبر قربانی نکند و آن را تا حدی لطیف نماید و با طرح مسئله «عشقی» به دوگانگی جبر و اختیار برای همیشه پایان بخشد.

اما در خصوص انگیزه اصلی وی از طرح چنین موضوعی شاید بتوان مقصود وی را آن هم در سطحی چنین گسترده از دو نظر مورد ملاحظه قرار داد:

الف. اینکه مسئله جبر و اختیار از جمله موضوع‌های کلام اسلامی است که کوشش متکلمان را با تکیه بر استدلال‌های نقلی و عقلی در پی بردن به راز آن بی نتیجه کرده و مولانا را به این باور رسانده است که این اختلاف برای همیشه ادامه خواهد یافت.

ب. هر عارفی از نظر روان‌شناختی بر آن است که از جنبه‌های مختلف وجود آدمی خبر دهد؛ چراکه نمی‌تواند نسبت به دانش‌های بشری بی تفاوت بماند. لذا وی نیز مانند دیگر عارفان مسلمان، یکی از مقوم‌های اصلی وجود آدمی را اختیار می‌داند که به واسطه آن بر دیگر موجودها فضیلت یافته و به مقام خلیفه‌اللهی^۱ نائل شده است و از سویی درمی‌یابد که عده‌ای از دانشمندان به آنکه آن انسان را موجودی مجبور و دست‌وپایسته معرفی می‌کنند، بی‌توجهی می‌کوشد در حل این مسئله پا را از حوزه تفکر غالب زمان خود، یعنی اشعریت^۲ فراتر گذارد و با طرح تحلیل‌های روان‌شناختانه و انگیزشی، با اثبات اختیار، عقیده پیروان ابوالحسن اشعری را به نقد بکشد و در نهایت با طرح استدلال‌های بیشتر بزرگان اندیشه، نتیجه بگیرد که این موضوع همچنان حل‌ناشدنی است و تفکر در باره آن جز به سرگشتگی بیشتر نمی‌انجامد و تنها از یک جهت می‌توان به پاسخی درخور دست یافت و آن عبارت است از «عشق».

۱. اشاعره نامی است که بر پیروان مکتب کلامی ابوالحسن اشعری (۲۶۰ تا ۳۲۴ ق) اطلاق می‌شود. اشاعره در معنای عام به سنت‌گرایان یا اهل سنت و جماعت گفته می‌شود، یعنی آنان که در برابر عقل‌گرایان معتزلی، بر نقل (قرآن و سنت) تأکید می‌ورزند و نقل را بر عقل برتری می‌دهند.

درباره جبر و اختیار، به ویژه از دیدگاه مولانا، بر اظهار نظر شرح کنندگان مثنوی، مقاله های بسیاری تدوین و منتشر شده و هرکس از گمان خود با او همراهی نموده است. هرچند این اظهار نظرها گاهی به نتیجه های متضادی نیز انجامیده است؛ تا آنجا که عده ای وی را جبری، عده ای اشعری و عده ای نیز متمایل به امامیه (شیعه) دانسته اند. ناگفته نماند که مولانا در این خصوص، گاهی دیدگاه جبر و گاهی نیز دیدگاه اختیار را برتری داده است و این برتری از سه جهت مختلف سرچشمه می گیرد:

الف. کلامی؛

ب. عرفانی؛

ج. تربیتی.

کتاب «سرنگاهی است تحلیلی-توصیفی به اساسی ترین بحث های مربوط به جبر و اختیار از دیدگاه مولانا جلال الدین رومی که در پنج فصل مورد توجه قرار گرفته است.

● فصل اول: درآمد و کلیاتی در باب جبر و اختیار؛

● فصل دوم: جبر و دلیل های آن؛

● فصل سوم: اختیار و دلیل های آن؛

● فصل چهارم: حد وسط «مُزِیْنُ الْأَمْرِیْنِ»؛

● فصل پنجم: سرگشتگی.

لازم به ذکر است برای تمامی ارجاع ها به کتاب های مولانا، نام کامل آن ها در متن آورده شده است. همچنین مشخصه های کتاب شناسی این اثرها به قرار زیر است:

۱. مثنوی معنوی، براساس نسخه قونیه، به تصحیح و پیش گفتار عبدالکریم سروش، چاپ هفتم، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۳.

۲. فیه ما فیه، تقریرهای مولانا جلال الدین محمد رومی، برگرفته

از تصحیح بدیع‌الزمان فروزان‌فر، چاپ هشتم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۰.

۳. کلیات شمس تبریزی، براساس نسخهٔ بدیع‌الزمان فروزان‌فر، چاپ هفدهم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۲.

۴. مجالس سبعه، به تصحیح و حواشی توفیق هد سبحانی، انتشارات کیهان، تهران، ۱۳۶۵.

در اینجا بر خود لازم می‌دانم از زحمات‌های بی‌دریغ و تلاش‌های شبانه‌روزی کلیه دست‌اندرکاران محترم شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، به ویژه برادر ارجمندم جناب آقای اسماعیل سلطانی (مدیرعامل) و سرکار خانم سحر فتحی (مدیر اجرایی) صمیمانه تقدیر و تشکر نمایم. از خداوند متعال برای آنان آرزوی سعادت و سلامتی دارم و امیدوارم در سایه الطاف الهی تلاش‌های روزافزون، شاهد فتح‌قله‌های موفقیت و سربلندی باشند.

در پایان امیدوارم این اثر بر اثر نظر واقع‌شود و سرآغاز نگاهی تازه به موضوع‌های کلامی و نوپدید دینی، به ویژه از منظر نابغهٔ دوران، حضرت مولانا باشد. از خدای بزرگ می‌خواهم این خدمت خُرد را از این خادم خاسر بپذیرد و بر جان جلیل و طاهر بندگان بختیارش به ویژه مولانا جلال‌الدین رومی صلوات کریمانه‌اش را تا ابد نازل فرماید و دوستانش را از آتش عشق الهی سرشار و جانشان را با جام معرفت و لطف بی‌کران خویش سیراب کند:

ما چو چنگیم و تو زخمه می‌زنی
 زاری از ما نه تو زاری می‌گنی
 ما چو ناییم و نوا در ما ز توست
 ما چو کوهیم و صدا در ما ز توست
 ما چو شطرنجیم اندر بُرد و مات
 بُرد و مات ما ز توست ای خوش‌صفت

ما که باشیم ای تو ما را جانِ جان
تا که ما باشیم با تو در میان

والحمد لله وبنه التوفیق

کاظم بازافکن

اردیبهشت ۱۴۰۳

www.ketab.ir